



حقوق کافی تعیین شوند. فارسی غلط از رادیو طهران آنتب لا یغفر است. همین چند روز پیش در اعلان راجع به املاک موقوفة ر.د.وی، الخلاط فاضلی از قبیل: «بِسْمِ عَلَی» و «الْأَزْدِ نَمِ» و «فَاتَمَّهَا مِنْ تَقْرِی الْقَلُوب» و امثال آن گفته شد. (۳)

در این میان دل آزرتر از همه، غلط خواندن شعر بود؛ یعنی همان بلیه‌ای که همچنان گریبان گیر رادیو و زبان فارسی است! در همان سال‌های نخست، آدم چیز فهمی به نام آقای زاهدیه که مدیر تماشاخانه تهران هم بود، نامه‌ای - به تاریخ ۱۳۲۱/۱۲/۲۵ - به رئیس اداره کتب انتشارات و تبلیغات نوشت که در این زمینه گویاست:

«یک بخش خواندن شاهنامه در رادیو گذارنده ولی متأسفانه به مدلول آنچه کردیم غلط، آنچه نکردیم خطا این هم یک کار بی مطالعه‌ای بود. مثلاً یک روز درویشی، «با نمون تاتم قصبه گویس را از قهوه‌خانه و خرابات آورده بودند، با یک صدای انگیزی شاهنامه را غلط می‌خواند، بدون این که معنی خواندنی خود را بفهمد. دفعه دیگر تاج آوازخوان [= مرحوم تاج اصفهانی] را گفته بودند بخواند، او هم خواند، ولی خیلی انقباض (از قصبه گویند) یک دفعه دیگر آقای صبحی خواند: «بَر خرف تَر از خیمه»، آخر هم دیدند نشد. متصرف شدند، شاهنامه هم به بوته فراموشی افتاد. (۴)»

وقتی امواج رادیو تهران، در فضای ایران پخش شد، لهجه نهرانی اموز، یعنی (زبان مردم تحصیل کرده پایتخت)، به عنوان زبان رسمی و به اصطلاح زبان «معیاره» فارسی شناخته شد. این موضوع در کنار فرایندی که داشت، خالی از خسارت و زیان نبود. از جنبه نتایج غالباً لهجه پایتخت نشینان، منزوی شدن بازه‌های لهجه‌ها و گویش‌های بومی بود؛ بدین ترتیب لهجه‌هایی که در گنجینه لغات خویش، واژه‌ها و بین واژه‌های اصیل فارسی رانفته داشتند، در محاق فراموشی قرار گرفتند و زبان تا حد زیادی از این گنجینه ارزشمند واژه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و... محروم شد.

از جمله ناهنجاری‌های زبانی، می‌توان به کاربرد نوعی زبان نیمه شکسته در رادیو، به ویژه در برخی برنامه‌های به اصطلاح زنده، اشاره کرد که به راستی از جلالت زبان فصیح فارسی و حتی زبان محاوره‌ای سلیم می‌بره است.

سرتوشت این نامه مفصل آن بود که چند روز بعد، یعنی در ۱۳۲۱/۳/۱۱ از پایگانی دفتر نخست وزیر وقت به فراموشی سپرده شود!

یکی از جغافهای رژیم گذشته به فرهنگ این مملکت، دست اندازی به زبان فارسی و واژه‌گزینی‌ها و واژه‌سازی‌های بی‌رویه بود. در آن روزگار بخشی از تشکیلات فرهنگی رژیم، وظیفه خود می‌دید، علی‌رغم سیلاب واژه‌های بیگانه که به زبان فارسی سررازی شده بود، علم غریبی ستیزی را برافزود و به صورت متعصبانه‌ای به جایگزین کردن واژه‌های من‌درآوردی و قلع و

**یکی از مفاهیم رژیم گذشته به فرهنگ این مملکت،  
دست اندازی به (بان فارسی و واژه‌گزینی) ها و واژه‌سازی های  
بی‌رویه بود.**

**از جمله نتایج غلبهٔ لهجهٔ پایتخت‌نشینان، منزوی شدن  
پاره‌های لهجه‌ها و گویش‌های بومی بود، بدین  
ترکیب لهجه‌هایی که در گنبدینةٔ نضات خویش، واژه‌ها و  
بن‌واژه‌های اصیل فارسی را نهفته داشتند. در محاق  
فراموشی قرار گرفتند و زبان تا حد زیادی از این گنبدینةٔ  
ارزشمند واژه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و ... محروم شد.**

تا حد زیادی پر کند و شعر و ادبیات این سرزمین را به دورترین  
روستاها ببرد و جاذب توده‌های مردم را آکنده از موسیقی و شعر  
یکند. بدون خدمات رادیو در این زمینه بی‌شک خسارت‌های  
انتطاع و گسست فرهنگی یاد شده، بسی بیشتر از امروز بود.

خوشبختانه هنوز بخش چشمگیری از برنامه‌های رادیو به  
قرابت شعر و متون ادبی اختصاص دارد. از این رو، دست اندر  
کاران رادیو باید بیش از پیش به اهمیت کار خویش پی ببرند و به  
نگر قلب‌های تازه‌تری برای آشنا کردن مردم، به ویژه جوانان، با  
میراث ادبیات این دیار باشند. آنها باید به این نکته توجه کنند که  
علاوه بر سعدی و مولانا و حافظ و چند تن دیگر از مشهورترین  
سخنوران این سرزمین، صدها شاعر و سخنور قابل طرح دیگر  
هم وجود دارند که شعر و سخن آنها هیچ گاه چنان که باید، حتی  
در دانشگاه‌ها، مورد توجه قرار نگرفته و رادیو محمل مناسبی برای  
شناساندن حکمت و احساس و معرفت نهفته در آثار آنان است.  
شاعران گمنام سبک هنری و جمعی از شاعران معاصر از این  
دسته‌اند.

از دیگر خدمات درخشان رادیو به زبان فارسی، کمک به رواج  
زبان ساده و تکرر خوانی است که عمدتاً پس از مشروطیت پا به  
عرصه نهاده و آثار ارزشمند ادبیات معاصر را به وجود آورده است.

**پی‌نوشت**

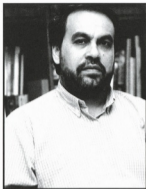
۱. استادی از تاریخچهٔ رادیو در ایران (۱۳۳۵ - ۱۳۱۸ هـ ش)  
تهیه و تنظیم: معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس  
جمهور، ص ۲۹، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت  
فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲. همان مأخذ، ص ۱۶۱.
۳. همان، ص ۲۲۹.
۴. همان، ص ۵۵۵.
۵. همان، ص ۳۵.

«عیب می‌جمله یگفتی، هنرش نیز بگو» در کنار  
ناهنجاری‌هایی که اشاره شد، خدمات رادیو به زبان فارسی، به  
واسطی چشمگیر و بی‌نظیر است. این رسانه صورت کاربرد  
درست و دلسوزانه می‌تواند بیشترین تأثیر را بر تقویت زبان فصیح  
و اصیل فارسی بگذارد.

رادیو در روزگاری قدم به کشور ما نهاد که سیل فرهنگ و تمدن  
جدید، بنیان‌های کهن ست‌ها را یکی یکی در هم می‌شکست و  
هر روز رابطهٔ مردم با گذشته و ادبیات گذشته رو به سستی  
می‌نهاد.

روزگاری بود که مردم این دیار در فضایی آکنده از شعر و عرفان  
تفس می‌کردند. در آن روزگار سرود کودکان در مکتب خانه‌ها  
شعر سعدی و حافظ بود. اطفال در نخستین سال‌های تحصیل،  
گلستان و نصاب الصبآن و کلیله و دمنه و سایر متون کهن را فرا  
می‌گرفتند. آشنایی محصلان قدیم با متون ادب فارسی، به هیچ  
وجه چون آشنایی دانشجویان امروزی، سطحی و گزینش نبود.  
در خارج از مکتب خانه‌ها و فضاهای آموزشی سنی، محافل

مردم از قبیل مساجد و قهوه‌خانه‌ها و تکیه‌ها و خانقاه‌ها مردم را با  
انواع شعر و آثار بزرگی چون شاهنامه و مثنوی و ... آشنا  
می‌کردند. انبوه مثل‌ها و مثل‌ها و قصه‌های دانشین قدیمی، در  
میان مردم، عطر صمیمیت و مهربانی می‌پاشید. رادیو هر آغاز  
پایان این دوره و سرافراز دوره‌ای قدم به این سرزمین نهاد که رابطهٔ  
مردم با ادبیات کهن گم‌رنگ و متون کهن به گوشهٔ دانشگاه‌ها تبعید  
می‌شد. از این زمان به بعد بود که متون مکتب‌خانه‌ای قدیم سر از  
دانشگاه‌ها و تحصیلات عالیه درآورد و در دانشگاه‌ها نیز به  
تدریس بخش‌های شکسته پسته و مختصری از متون یاد شده  
قناعت کردند! در حال حاضر کار به جایی رسیده که بسیاری از  
فراخ‌التحصیلات دانشگاه‌ها قادر نیستند شعر سعدی و حافظ و ...  
را از رو بخوانند، چه رسد به این که فهم درستی از آن داشته باشند!  
رادیو در این دورهٔ گسست فرهنگی نوانست خلا حاصل شده را



## بعد از دو سال باز هم رادیو را انتخاب می‌کنم

گفت و گو با رضا پور حسین  
مدیر شبکه ۲ سیما  
● محمد رضا شهیدی فرد

امروزه مدیریت چنانچه خلاق و مبتکر نباشد قادر به ادامه حیات نخواهد بود. در این جهان متغیر و متحول برای موفقیت در تمامی زمینه‌های مدیریت باید از خلاقیت ذهنی و آفرینندگی بهره گرفت و در همگامی با تحولات انفجاری رمز ابداع و نوآوری کرد. بی تردید در عصر ارتباطات برای جامعه‌ی جوان و نشنه اطلاعات، وضع راهبردهای رسانه‌ی جدید که انتقال اطلاعات را روان تر کند یک ضرورت است و تفکر و اندیشیدن به سبکی غیر متداول و بر خلاف آنچه تا کنون مرسوم بوده است یکی از راههای مؤثر خلاقیت در دنیای ارتباطات رسانه‌ی بی شمار می رود... در این سیاق گفت و گویی با دکتر رضا پور حسین از مدیران سابق رادیو و فعلی شبکه چهار سیما شبکه‌ای کوشیده دیگر گونه باشد و می‌خواهد با مخاطبانش «زندگی» کند خواندنی است:

**«عطرهای خاص»**

تجدید نظرهایی در پس ذهن من وجود دارد یعنی به نوعی ممکن است تشکیک در کارکردشان کرده باشم، درجه کارکرد در رادیو را بالا و پایین کرده باشم، یا اصلاً به نوع دیگری به سازمان بندی آن نگاه کنم و از این قبیل تغییرات که یک چیز طبیعی است. نگاه من به عنوان کسی که غرق در محرکهای تلویزیونی است، با نگاه کسی که در درون رادیو کار می‌کند، فرق می‌کند. البته چون من مدت زیادی نیست که از رادیو خارج شده‌ام این اختلاف خیلی کمتر است. ولی اگر فاصله زمانی من زیاد شود، قاعدتاً بیشتر، رنگ تلویزیونی خواهم گرفت و شاید بسیاری از مسائل موجود در رادیو را کمتر جذب و درک بکنم. قاعدتاً وقتی من اظهار نظری از این منظر و از این میدان برای رادیو می‌کنم، برای کسانی که داخل میدان هستند غیر

شاید اجازه نمی‌دهد مسئولان بیرون رادیو را نگاه کنید و به شکل گزینشی چیزهای بیرونی را رد می‌کنند. ولی وقتی از بیرون نگاه می‌کنید، چشمتان در عین حال که چیزهایی را می‌بیند، بر روی چیزهای دیگری بسته می‌شود. اصلاً نمی‌خواهم بحث ارزشی بکنم و بگویم کدام یک خوب است و کدام بد؛ و وقتی من در رادیو کار می‌کردم، نگاهم به تلویزیون متفاوت بود و به رادیو به عنوان کسی که سالها در آن کار کرده نگاه می‌داشتم. وقتی که وارد تلویزیون شدم ذهنم نسبت به تلویزیون کمی تغییر کرد. نمی‌گویم فرو ریخت، چون من به کار برنامه سازی آشنا بودم، مقداری تغییر کرد و وقتی از این منظر به رادیو نگاه می‌کنم همین که می‌گویم: «اگر من دوباره بپایم، این کار را خواهم کرده نشان می‌دهد که ظاهراً

□ شما چه مدت در رادیو کار می‌کردید؟  
● من از سال ۶۹ تا ۷۶ در رادیو کار می‌کردم و ۲ سال است که اینجا هستم.  
□ موقعی که از رادیو خارج شدید تلقی خاصی از رادیو داشتید. حالا که دو سال گذشته و در رسانه دیگری مشاغل با رادیو کار کردید، احتمالاً این نگاه تغییر کرده. این طور نیست؟  
● بله، اما این احتمال نیست، بلکه یک قاعده روان شناختی است. که می‌گوید: «این طور نیست که همیشه، ذهنیات شما راجع به یک پدیده با واقعیت متطابق باشد و حتماً پدیده‌ها را در همان فضا و میدانی که قرار دارد ببیند. یعنی بین نگاهی که شما از درون رادیو به آن می‌کنید و نگاهی که از خارج به آن می‌شود تفاوت فراوانی است. آنجا محرک‌هایی بر شما وارد می‌شوند که